

# داستان غم انگیز حضرت رقیه علیها السلام

8 مرداد 1404

کتاب داستان غم انگیز حضرت رقیه علیها السلام به قلم علی شیرازی / انتشارات مجد اسلام

در این کتاب به اثبات وجود حضرت رقیه سلام الله علیها و به داستان زندگی ایشان از تولد و شهادت پدر بزرگوارشان حضرت امام حسین علیه السلام و واقعه کربلا تا اسارت و شهادت در شام می پردازد.

نویسنده در مقدمه آورده است:

برخی از علما و مورخان فاطمه صغیره را همان رقیه می دانند و بسیاری از محققان مدقق، مقبره شام را متعلق به حضرت رقیه می شمرند. با این بیان باید بپذیریم که امام حسین علیه السلام دختر کوچکی به نام حضرت رقیه داشته که از مدینه تا مکه و از مکه تا کربلا همراه امام بوده و سپس ا کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام عمه اش زینب را همراهی کرده است؛ در راه اسارت شکنجه ها دیده، تازیانه ها خورده، سیلی به گوشش زده اند، بر روی خار مغیلان دویدها، از روی شتربر زمین افتاده، و سرانجام در خرابه ی شام به شهادت رسیده تا برای همیشه پیام عاشورا را از گوشه ی آن خرابه گوش جهانیان برساند.

در بخشی از این کتاب می خوانیم :

رقیه علیها السلام در کربلا

از لحظه ی ورود کاروان به کربلا، رقیه علیها السلام نیز شریک غم و مصیبت های پدر بود. در هر سختی ای می سوخت و همراه با همه یاران امام حسین علیه السلام از درد تشنگی می نالید. هلال بن نافع می گوید: « من در میان دو صف از لشکریان ایستاده بودم. دیدم کودکی از حرم امام حسین علیه السلام بیرون آمد، دوان دوان خود را به امام رسانید، پیراهن آن حضرت را گرفت و گفت: «یا ابا، انظر الی فانی عطشان» ای پدر به من نگاه کن و ببین من تشنه ام. تقاضای آن کودک تشنه کام و شیرین زبان، چون نمکی بود که بر زخم های دل امام حسین علیه السلام پاشیده شد و امام را منقلب کرد.

اشک بی اختیار از چشم های اباعبدالله علیه السلام جاری شد، و امام علیه السلام با چشمی اشک بار فرمود: «بنیة الله یسقیک فانه وکیلی» دخترم، ( می دانی تشنه ام ؛ ) خداوند، تو را سیراب کند؛ زیرا او وکیل و پناهگاه من است.

سپس حضرت سید الشهداء علیه السلام دست کودک را گرفت، او را به خیمه آورد، به دست خواهران سپرد و به میدان برگشت. هلال بن نافع می افزاید: پرسیدم این دختر کوچک که بود و با امام حسین علیه السلام چه نسبتی داشت؟

پاسخ شنیدم : او، رقیه سلام الله علیها دختر سه ساله امام حسین علیه السلام است. مرا ببخش ای پدر که وقت رفتن سفر

( كتاب داستان غم انگيز حضرت رقيه عليها السلام / صفحه 23 و 24 )